



شماره 24 ، 15 شهریور ماه 1395

بیانیه حزب توده ایران

بخاطر سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی بدست رژیم تبهکار مذهبی "ولایت فقیه"

در کشور ما در سال 1367 رژیم مذهبی قرون وسطایی "ولایت فقیه" به رهبری خمینی با کشتار هزاران نفر از فرزندان خلق در زندان‌های رژیم به جنایات‌های هولناکی دست زد که در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر است.

در آن زمان پس از شکست رژیم در جنگ با عراق و پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل و قبول آتش بس در جبهه‌های جنگ ایران و عراق از جانب خمینی و یارانش و بقول خمینی نوشیدن جام زهر. روحانیون حاکم در هراس از توده‌های ناراضی برای زهر چشم گرفتن از توده‌های معترض و جلوگیری از خشم و نفرت عمومی نسبت به رژیم حاکم در جامعه، در تابستان شوم 1367 با فرمان خمینی هزاران نفر از زندانیان سیاسی- مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح که برسر مواضع سیاسی خود بودند و با اعتصاب در زندان به مبارزه خود برای دستیابی به حقوق انسانی ادامه می‌دادند را به نام مذهب قتل عام کردند.

روحانیون حاکم پس از انجام این جنایات هولناک اجساد قهرمانان به خون خفته خلق را پنهانی در جاده خاوران در قبرستان بهائیان مدفون کردند. از جنایات و شکنجه‌های رژیم قرون وسطایی "ولایت فقیه" مدارک زیادی در دست است و از آن جمله عکس‌های مربوط به کشتار جمعی زندانیان سیاسی پس از دفن اجساد کشته‌شدگان در گودال‌های کم عمق پر از قربانی‌های خونین که قساوت آخوندهای مرتجع و عملکرد رژیم "ولایت فقیه" و شباهت انجام این جنایات را با جنایات نازی‌ها در دوران رژیم آلمان هیتلری نشان می‌دهد.

آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند رفتند و شهر خفته ندانست کیستند

محمد رضا شفیعی کدکنی - از بودن و سرودن

بدینسان جنایاتی که روحانیت حاکم بفرمان خمینی با کشتار جمعی زندانیان سیاسی در زندان‌ها انجام داد با وجود تلاش رژیم حاکم برای پنهان نگاه داشتن این جنایات، ولی این تلاش رژیم بهیچوجه نتوانست مانع از افشای جنایات خمینی و یارانش گردد. زیرا افشای جنایات دادخواست معتبری است علیه مرتجعین و عوام‌فریبان حاکم.

آری چنین است اظهارات آیت‌الله منتظری درباره فاجعه کشتار جمعی زندانیان سیاسی در میهن بلا کشیده ما که سبوعیت و جنایات خمینی و دیگر جنایتکاران را در این کشتار زیر پوشش اسلام نشان می‌دهد.

درباره برخورد سران رژیم و نیروهای مذهبی به قتل عام زندانیان سیاسی باید گفت درست است که خمینی فرمان قتل عام زندانیان سیاسی سر موضع را داده است. اما اینهم غیر قابل قبول است که سران رژیم و دست‌اندرکاران و گردانندگان رژیم در قبال جنایات خمینی برای حفظ امتیازات فردی و اجتماعی خود ماموران معذور بودند. پس بی‌گناه هستند.

در اینجا بحث بر سر عدم احساس مسئولیت در قبال انسانیت و حق انسان برای زندگی براساس منشور جهانی حقوق بشر از جانب سران و گردانندگان رژیم و نیروهای مذهبی حاکم است.

محافل ارتجاعی حاکم کشتار زندانیان سیاسی را اجراء "حکم خمینی" بمثابه "حکم خدا" علیه محارب (جنگ کننده) مطرح می‌کنند. استدلالی که برای توجیه جنایات رژیم از جانب آنها مطرح می‌شود خصلت عمیقاً ارتجاعی رژیم "ولایت فقیه" را آشکار می‌سازد.

در زمینه عملکرد و نقش خمینی در سرکوب مخالفان رژیم حاکم و قبضه کردن انحصاری حاکمیت باید گفت که پس از برکناری باند بنی‌صدر و لیبرال‌ها از حاکمیت دولتی و سپس اجراء عملیات بمب‌گذاری در مراکز حزب جمهوری اسلامی و نخست‌وزیری و دادستانی تهران در رویدادهای تیرماه و شهریورماه 1360، روحانیون به رهبری خمینی

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

در شرایط پایان جنگ و نفرت عمومی مردم از رژیم حاکم و هراس روحانیون از توده‌های معترض، کشتار جمعی زندانیان سیاسی بفرمان خمینی انجام گرفت که نام خمینی در تاریخ معاصر ایران با لعنت ابدی محشور شد.

در جریان کشتار فرزندان خلق در زندان‌های رژیم حزب توده ایران تعداد کثیری از بهترین فرزندان خود را در مبارزه علیه ادامه جنگ خانمانسوز و تامین صلح عادلانه و مبارزه در راه تامین منافع طبقه کارگر و همه محرومان جامعه که در یورش رژیم به حزب توده ایران دستگیر شده بودند. در این فاجعه ملی از دست داد.

اینک با شناخت روزافزونی که مردم ما از نیروهای مذهبی و روحانیون و ارتجاع مذهبی حاکم پیدا کرده و می‌کنند. در صورتی که نیروهای مترقی و دموکراتیک در جامعه بتوانند نیروهای خلق را برای رویارویی با این رژیم فاسد و پوسیده تجهیز نمایند. می‌توان به حیات منحوس رژیم "ولایت فقیه" و سلطه حاکمیت روحانیت و مظاهر شوم آن در جامعه پایان داد.

بدون تردید مردم میهن ما آنهایی را که در ارتکاب جنایات علیه فرزندان مبارز میهن ما شریک جرم و مجرم می‌باشند در آینده‌ای نه چندان دور در دادگاه خلق بسزای اعمال پلیدشان خواهد رساند. زیرا این حکم تاریخ است.

رفقا و دوستان گرامی!

"مردم" زبان بی بند توده‌ها را در کشور پخش نمایند. پخش و تکثیر "مردم" در ایران یک وظیفه انقلابی است.

برای پیشبرد اهداف خود بیش از پیش به استبداد مذهبی روی آوردند.

پس از قبضه انحصاری حاکمیت خمینی و روحانیون هوادار او برای حفظ حاکمیت روحانیت با دشمنان واقعی انقلاب از جمله عمال نفوذی وابسته به امپریالیسم و عوامل ساواک رژیم شاه که می‌کوشیدند انقلاب ایران را با شکست روبرو سازند سازش کردند.

در نتیجه چنین سازشی که گرایش سران رژیم بسوی امپریالیسم را مطرح می‌ساخت. راه برای تقویت رژیم مذهبی "ولایت فقیه" و نفوذ هواداران راه "سرمایه‌داری وابسته" در جهت ادامه وابستگی امپریالیستی بر کشور هموار شد.

خمینی و پیروان معمم و مکلاهی او، پس از دستیابی به فرمانروایی انحصاری در کشور با خیانت به هدف‌های ملی و دموکراتیک انقلاب در خدمت تجار بزرگ غارتگر و زمینداران بزرگ قرار گرفتند. اصرار خمینی و یارانش در ادامه دادن به جنگ امپریالیسم برافروخته همراه با یورش به حزب توده ایران با حمایت عمال امپریالیسم و همکاری عوامل ساواک رژیم شاه و تشویق نیروهای ارتجاعی و قشری از یکسو و نگهداری نظام سرمایه‌داری وابسته رژیم شاه بر کشور از سوی دیگر، نه تنها مانع روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب بهمن شدند بلکه از آماج‌های ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب که خواست‌های اساسی توده‌های زحمتکش در جامعه بود عدول کردند و در نتیجه خیال امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا از گسترش آماج‌های انقلاب ایران راحت شد.

بدینسان روحانیون به رهبری خمینی رژیم استبدادی مذهبی قرون وسطایی را در کشور حکمفرما ساختند و موازین اسلامی و احکام شرعی را در جامعه تحمیل کردند.

در اینجا باید یادآور شد پیامدهای ادامه جنگ ویرانگر شامل میلیون‌ها کشته و معلول و زخمی و آواره و خسارات عظیم مادی بر کشور، حاصل جنگی بود که خمینی آن را "جنگ، جنگ تا رفع فتنه در عالم" مطرح می‌کرد.